# **فصل اول: شناخت سحر**

پیش از پرداختن به بررسی حقیقت «سحر و جادو» باید آن را از منظر لغت، اصطلاح، قرآن و روایات تبیین کنیم. تعریف‌های گوناگونی از سحر ارائه شده است و این اختلاف در تعریف، موجب شده بعضى کارها بنابر برخى تعریف‌ها از مصادیق سحر، و بنابر تعاریفى دیگر، خارج از آن شمرده شود.

## **1.** **سحر در لغت**

«سحر» واژه‌ای عربى است و مترادف آن در زبان فارسى «جادو»[[1]](#footnote-1) و در زبان انگليسى Magic»»،[[2]](#footnote-2) در فارسیِ میانه زردشتی «jādūgīh»[[3]](#footnote-3) یا «دروغ و دروغ‏‌پرست»[[4]](#footnote-4) است.

سحر در لغت به معناى خدعه و نیرنگ، چشم‌بندی، اظهار باطل در چهره حق، برگرداندن چیزى از مسیر درست آن و هرچیزى که منشأ و سبب آن دقیق و لطیف باشد، آمده است.

 برخى لغت‌پژوهان گفته‌اند: اصل سحر، تبدیل چیزى از حقیقتِ خود به غیر آن است و به عمل ساحر، به ‌این ‌دلیل که باطل را به‌صورت حق نشان مى‌دهد و چیزى را در خیال افراد، خلاف حقیقت آن نمایان مى‌سازد، «سحر» گفته‌اند.[[5]](#footnote-5)

بعضی در تعریف سحر چنین گفته‌اند: آنچه عوامل آن نامرئی و مرموز باشد.[[6]](#footnote-6) خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب **العین** می‌گوید: «هرچه شیطان، دستی برای کمک به آن برآرَد یا هرچیزی که چشم به‌ظاهر، آن را ببیند و حقیقتش چیز دیگری باشد، سحر است».[[7]](#footnote-7) در **مقائيس‏ اللغة**، سحر به معناى «خدعه و نيرنگ» آمده كه حق را به‌صورت باطل درمی‌آوَرَد.[[8]](#footnote-8)

در **قاموس المحیط**، سحر به هرچیزی که منشأ و سبب آن دقیق و ظریف باشد، معنا شده است.[[9]](#footnote-9)

از مجموع معانی لغوی سحر، درمی‌یابیم که سحر منشأ دقیق (نامرئی) دارد و با مبنای فریب و نیرنگ، بینندگان را جذب می‌کند و به شگفتی وامی‌دارد، هرچند اثر آن گاه واقعی است؛ همچون جدایی میان زن و شوهر، و گاهی توهم، خیال و غیرواقعی.

## **2. سحر در اصطلاح**

سحر در اصطلاح، تعریف‌های گوناگونی دارد که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. سحر، نیرنگ و خیال‌پردازی‌هایی است که حقیقتی ندارد؛ نظیر شعبده‌بازی و تردستی یا جلب معاونت شیطان‌ها از راه‌های خاص و کمک گرفتن از آنان.[[10]](#footnote-10)
2. حق را به‌‌صورت باطل درآوردن و منصرف ساختن دیده یا قلب از حق و واقعیت است، به‌خلاف آن، که باطل است و حقیقت ندارد.[[11]](#footnote-11)
3. استحداث خوارق، يعنی حادث شدن چيزی كه خارق‌العاده باشد.[[12]](#footnote-12)
4. امرى شگرف كه به امور خارق‌العاده شباهت دارد (اما خود، خارق‌العاده نيست؛ زيرا اولاً، امرى آموختنى است و ثانياً، انجام آن با ارتكاب كارهاى زشت باعث وسوسه انسان می‌شود).[[13]](#footnote-13)
5. ابن‌قدامه مقدسی می‌گويد: «سحر، زدن گره يا سخنی است كه گفته يا نوشته می‌شود، يا كاری است كه در بدن مسحور يا قلب يا عقلش بدون اقدام و خواسته او، اثر می‌گذارد و سحر حقيقت دارد. نوعی از سحر، شخص را به قتل می‌رساند یا مريض می‌كند و برخی از آن، سبب ضعف قوای جنسی می‌شود و قسمتی از آن، ميان شخص و همسرش جدايی می‌اندازد و همچنين بخشی از آن، ايجاد محبت می‌کند».[[14]](#footnote-14)
6. شیخ مرتضی انصاری در **مکاسب** می‌فرماید: «جمع بین کلمات لغویین و اقوال فقها در اینکه سحر چیست؟ در غایت اشکال است[[15]](#footnote-15)»،[[16]](#footnote-16) اما از مجموع سخنان شیخ، می‌توان دریافت که سحر، ارتباط و استفاده علمی و عملی از ارواح و اجنه و شیاطین است.[[17]](#footnote-17)

## **3. سحر در قرآن و روایات**

 در قرآن کریم، کلمه «سحر» و مشتقات آن 51 بار به‌کار رفته است. سحر از دیدگاه قرآن، به دو بخش تقسیم می‌شود:

1. فریب، تردستى، شعبده و چشم‌بندی که اثر واقعی ندارد، چنان‌که می‌خوانیم: «فَإِذا حِبالُهُمْ وَ عِصِیُّهُمْ یُخَیَّلُ إِلَیْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعى»[[18]](#footnote-18) و آیه «فَلَمّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْیُنَ النّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُم».[[19]](#footnote-19)

2. سحری که اثر واقعی دارد، چنان‌که در آیه‌ شریفه بیان می‌دارد: «فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ».[[20]](#footnote-20) این آیه بیانگر آن است که سحر و جادو واقعیت دارد و در زندگی انسان اثرگذار است.[[21]](#footnote-21) همچنین تعبیر دیگری که در همین آیه شریفه به این مطلب اشاره دارد: «وَ یَتَعَلَّمُونَ ما یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُم[[22]](#footnote-22)».[[23]](#footnote-23)

زندیق مصری در بحثی طولانی با امام صادق؟ع؟، از ایشان پرسید: اصل جادو چیست؟ و چگونه جادوگر می‌تواند کارهای عجیب‌وغریب انجام دهد؟

 امام؟ع؟ فرمود: «سحر بر چند وجه است:

 یک نوع آن به‌منزله پزشکی است؛ یعنی همان‌گونه‌که پزشکان برای هر مریض، راه علاجی می‌یابند، جادوگران نیز برای هر صحت، راهی برای از بین بردن آن می‌یابند و برای هر عافیت، راهی برای رفع آن می‌جویند.

نوع دوم شعبده، یعنی سرعت دست و اعمال فوق عادت است.

نوع سوم آنکه شیاطین را به خدمت می‌گیرند».

زندیق گفت: شیاطین، جادو را از کجا آموخته‌اند؟

فرمود: «از همان‌جا که پزشکان، پزشکی را می‌آموزند. بعضی را به تجربه و بعضی را به علاج».

زندیق گفت: درباره ماجرای هاروت و ماروت چه می‌گویی؟

فرمود: «آن‌ها برای امتحان انسان‌ها آمده بودند و تسبیحشان این‌گونه بود که اگر ‌آدمیزاد فلان کار را بکند یا فلان وِرد را بخواند، فلان اتفاق روی می‌دهد. مردم به این طریق، انواع سحر را از آن‌ها فراگرفتند. پس آن‌ها به مردم می‌گفتند که ما برای امتحان شما آمده‌ایم؛ چیزی را که ضرر می‌رساند و برای شما فایده‌ای ندارد، از ما فرانگیرید».

زندیق پرسید: آیا ساحر می‌تواند با سحر خود، انسان را به‌صورت سگ یا الاغ یا مِثل این‌ها درآوَرَد؟

امام؟ع؟ فرمود: «ساحر، عاجزتر از آن است که بتواند خلق خدا را تغییر دهد و اگر می‌توانست، هرآینه از خودش پیری، فقر و بیماری را دور می‌کرد».[[24]](#footnote-24)

1. . **دايرةالمعارف فارسى**، به سرپرستى غلامحسين مُصاحب، ج1، ص1276. [↑](#footnote-ref-1)
2. . فرهنگ انگلیسی به فارسی. [↑](#footnote-ref-2)
3. . قریب، **فرهنگ سُغدی**، ج۱، ص۴۴۴-۴۴۵. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سلیگمن کورت، **تاريخ جادوگرى**، ص17- 16. [↑](#footnote-ref-4)
5. . فراهیدی، **العین**، واژه «سحر» ج۳، ص۱۳۵؛ ابن‌منظور، **لسان العرب**، واژه «سحر» ج۴، ص۳۴۸. [↑](#footnote-ref-5)
6. . جوهری، **صحاح**، ج4، ص678؛ دهخدا، **لغت‌نامه**، ج28، ص337؛ لویس معلوف، **المنجد**، ج1، ص716؛ سعیدپور و دیگران، **فرهنگ فارسی خرد**، ص447. [↑](#footnote-ref-6)
7. . فراهیدی، **العین**، ج۳،‌ ص۱۳۵. [↑](#footnote-ref-7)
8. . ابن‌زكريا، **معجم مقائيس‏اللغة**، ج3، ص138، ماده سحر. [↑](#footnote-ref-8)
9. . فیروزآبادی، **قاموس المحيط**، ج2، ص45. [↑](#footnote-ref-9)
10. . مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ج1، ص377. [↑](#footnote-ref-10)
11. . جوادی آملی، **تفسیر تسنیم**، ج5، ص651. [↑](#footnote-ref-11)
12. . فخرالمحققين، **ايضاح الفوائد**، ج1، ص405. [↑](#footnote-ref-12)
13. . حسينى دشتى، **دايرةالمعارف جامع اسلامى**، ج6، ص212. [↑](#footnote-ref-13)
14. .ابن‌قدامه**، المغنی**، ج10، ص104. [↑](#footnote-ref-14)
15. . انصاری، **مكاسب**، ج1، ص32. [↑](#footnote-ref-15)
16. . شاید جهت اشکال، این باشد که چون مأخذ سحر مشخص نیست، لذا تعاریف سحر هم تعاریف واقعی و حقیقی نخواهد بود و مبتنی بر حدس و گمان است (سالاری، **پژوهشی در سحر و جادوگری از نظر اسلام**، ص15). [↑](#footnote-ref-16)
17. . «ثم الظاهر أن التسخیرات بأقسامها داخلة فی السحر علی جمیع تعاریفه» (جزائری، **شرح مکاسب محرمه مزجی**، ج2، ص112) «ثم ان الشهیدین عدّا من السحر، استخدام الملائکة و الجن و استنزال الشیاطین» (همان، ص68) «او علی سبیل الاستعانة بالارواح الساذجة» (همان، ص71). [↑](#footnote-ref-17)
18. . «ریسمان‌ها و عصاهاى جادوگرانِ زمان موسى در اثر سحر، خیال مى‌شد که حرکت مى‌کنند» (طه: 66). [↑](#footnote-ref-18)
19. . «هنگامى که ریسمان‌ها را انداختند، چشم‌هاى مردم را سحر کردند و آن‌ها را ارعاب نمودند» (اعراف: 116). [↑](#footnote-ref-19)
20. . «پس آن‌ها سحرهایى را فرامى‌گرفتند که میان مرد و همسرش جدایى مى‌افکند» (بقره: 102). [↑](#footnote-ref-20)
21. . قرائتی، **تفسیر نور**، ج1، ص171-172. [↑](#footnote-ref-21)
22. . «آن‌ها چیزهایى را فرامى‌گرفتند که مضر به حالشان بود و نافع نبود». [↑](#footnote-ref-22)
23. . مکارم شيرازی، **تفسیر نمونه**، ج1، ص433. [↑](#footnote-ref-23)
24. . طبرسی، **إحتجاج**، ص81-82؛ علامه مجلسی، **بحار الأنوار**، ج60، ص21. [↑](#footnote-ref-24)